

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

جمعه ۱۸ سپتمبر ۲۰۲۰

حمید انوری

## گل آغا نمبر (ون - one)



### کدام یک نمبر (one) اند؟؟؟ غنی یا باتور؟؟؟

آنچه در دوحه دیدیم و شنیدیم، مایه ننگی بود به افغانستان و مردم جنگ زده و در به در افغانستان. سخنان پسر دوستم و پسر عطا محمد را دیدیم و شنیدیم و عرق سردی از پیشانی جاری شد. گله از باتور و خالد و امثال شان نیست، اما گله از سردمداران کابل است که تمام غرور و افتخارات و حیثیت و آبروی یک کشور و مردم در بند کشیده شده آنرا به دو توت سودا کردند، گله از پدران این پسران است که با تمام دم و دستگاه و قدرت و یکه تازی های چندین دهه و با تمام چور و چپاول و جنایت و خیانت و رزالت و تاراج و تجاوز، لاقول یک نخود وجدان در وجود بی وجود شان می بود و اعتراف می کردند که فرزندان آنها لیاقت، اهلیت و صلاحیت اشتراک در همچو مجالس را ندارند، نه خود را بیشتر بی آب و آبرو می ساختند، نه پسران خود را و نه هم به ملت بزرگ افغان توهین روا می داشتند.

اما چنین توقع از افرادی چون جنگ سالار عطا محمد و رشید دوستم گلم جم و افراد و اشخاص مانند آنها، به منزله چیدن سیب از درخت بلوط است.

و اما و مگر! شرم باد بر اشرف غنی و تیم بی کفایت و مفت خور و چند درجن مشاور او که آبروی افغانستان را نزد خلق خدا برد.

چه خوش گفته اند:

فرزند هنر باش نه فرزند پدر

فرزند هنر زنده کند نام پدر

و اما این خالد و این باتور و این ساطور، چون هنری ندارند که ندارند، پس هرگز قادر به زنده کردن "نام" پدران "مرده" ای خود نیستند که نیستند، حتی اگر یک هنر نه، که چندین و چند هنر نیز می داشتند، قادر به زنده ساختن "نام" مرده های تاریخ زده و خدا شرمانده نبودند که هیچ، خود هم از خجالت آب شدند و چیزی برای گفتن در چانه نداشتند. آخر گفته اند :

**"از کوزه همان تراود که در اوست"**

چرا باید توقع داشت که از این نا انسان ها، انسان به دنیا بیاید؟!

شاید مردم افغانستان بصورت گل، مشکلی با فرزندان این جنگ سالاران خونریز نداشته باشند و شاید هم دست فرزندان آنان به خون مردم افغانستان رنگین نشده باشد، ولی و اما و مگر! آنگاه که این پسران داد میزنند که راه پدران جنگ سالار خود را ادامه می دهند، صد البته که در جنایات بی حد و حصر پدران جنگ سالار و خونریز و وحشی صفت خود ها شریک می شوند و مورد تفر و انزجار مردم قرار می گیرند، که مردم هم صد فیصد در چنین مواردی حق بجانب اند. و مگر من دانسته نشدم که در عکس بالا، اشرف غنی، (گل آغا نمبر One ) است، یا باتور یا ساطور، از حق اگر نگذیریم، اشرف غنی با پاچه های تا و بالای خود، بیشتر به گل آغا شباهت دارد تا دوستم و باتور.

کار های دنیا، یا لااقل کار ها در افغانستان جنگ زده، بیشتر از چهل سال است که کاملاً سرچپه شده است، آنکه عمر خود را در خارج از افغانستان و در بیروت و امریکا سپری کرد و همیشه با دریشی و نکتائی و کف و کالر بود، به یکبارگی پیراهن و تنبان پوش شد و دستمال بینی خود را سر شانهِ سنجاق کرد، اما آنکه عمری در پیراهن و تنبان و پاچه های کشال و دامن های دراز و کلاه روسی و... گذشتاند، صاحب دریشی و نکتائی و کف و کالر شد. آنانی که بروت های کشال و کلاه های پیک دار را پرستش می کردند، امروز خود را با ریش های سه متره و کلاه و لنگوته

و پکول پوشانده اند و چپ و راست آیت و حدیث میگویند. جوالی ها، همه والی شدند و والی ها همه جوالی. زیردار گریختگی ها جنرال و مارشال شدند و...  
و اما آخر هم اینکه اگر هموطنان ما از قصه مشهور "گل آغا نمبر One" اطلاع ندارند، که از عجایب روزگار خواهد بود، از روی لطف از دوستان خود جویای احوال گردند تا در میان این همه غم و غصه و رنج و درد و داغ، لحظه ای هم گل لبخند بر لبان شان بشگفتد که ما را آرزوی جز این نیست.